

آخرین وضعیت پور حیدری از زبان همسرش

فریده شجاعی از مردم خواست باز هم برای سلامتی همسرش دعا کنند. فریده شجاعی، همسر منصور پورحیدری در گفت‌وگو با ایسنا، درباره آخرین وضعیت پورحیدری، اظهار کرد: وضعیت منصور امروز بهتر از روز گذشته(جمعه) است البته پزشکان جواب نهایی را درباره وضعیتش نداده‌اند و قرار است کمیسیون پزشکی درباره وضعیتش تشکیل شود و تصمیم‌گیری نهایی صورت گیرد. وی با اشاره به اینکه پورحیدری خواهان حضور در تبریز شده است، گفت: منصور خیلی دوست دارد به همراه استقلال به تبریز برود، اما پزشکان این اجازه را به او نمی‌دهند، چراکه سفر و همچنین تماشای مسابقه از نزدیک به او استرس زیادی وارد می‌کند و این برای پورحیدری خیلی بد است. همسر منصور پورحیدری در پاسخ به این پرسش که چرا روز گذشته (جمعه) سطح هوشیاری این پیشکسوت استقلال بالا و پایین شده بود، گفت: در این‌باره باید پزشکان نظر قطعی را بدهند. خوشبختانه شرایط بهتر است. شجاعی در پایان ضمن تشکر از مردم اضافه کرد: از همه کسانی که به بیمارستان آمدند و در کنار ما بودند تشکر می‌کنم. همچنین از همه مردم که برای ما دعا می‌کنند متشکرم. از همه آنها می‌خواهم که دعای خیرشان را از ما دریغ نکنند.

■ ■ ■

بدنساز تیم ملی امید دیورت شد

بدنساز تیم ملی فوتبال امید ایران که برای حضور در اردوی بندر عباس راهی ایران شد از فرودگاه دیورت شد. تیم ملی امید ایران برای برگزاری یک اردوی آماده‌سازی راهی بندرعباس شده است. تیم ملی امید بعد از اتمام مرحله اول انتخابی المپیک ۴-۵ اردو برگزار کرده که همه خارج از ایران بوده است. تیم امید در راستای حضور در مرحله دوم انتخابی المپیک با کن استید به عنوان مربی بدنساز به توافق رسید و قرار شد این مربی به صورت روزمزد و فقط در اردوهای تیم ملی امید حاضر شود. در همین راستا این مربی با توجه به اینکه همسواره اردوهای تیم امید خارج از ایران بوده حضور در ایران را پیدا نکرده است. با توجه به برگزاری اردوی پیش‌روی تیم ملی امید در شهر بندرعباس، استتید برای اولین بار فرصت حضور در ایران را پیدا کرد. این مربی اسکاتلندی راهی ایران شد و به فرودگاه امام خمینی رسید اما در اتفاقی عجیب نتوانست در کشورمان حضور پیدا کند و دیورت شد. این مربی به دلیل اینکه در رواید و مدارک حضورش در ایران مشکلی وجود داشته به امارات دیپورت شده و قرار است هر چه زودتر مشکل او برطرف شود و به ایران بازگردد.

■ ■ ■

غیابی: آقای قهرمانی گنتی از تو خواسته‌اند یک بازی را در بیاورو

رئیس اسبق کمیته داوران فدراسیون فوتبال گفت: آقای قهرمانی یادت است که برای گرفتن یک داورى پیش من و عسگرى گریه کردی؟! سیدرضا غیائی، رئیس اسبق کمیته داوران درباره صحبت‌های محسن قهرمانی مبنی بر اینکه به صحبت‌های غیائی توجهی نمی‌کنم زیرا او نه قضاوتی داشته نه بر چمی زده، گفت:آقای قهرمانی مردی نبود فتاده را پای زدن! اگر شما غیائی را نمی‌شناسی و سن شما به داوری‌هایم قد نمی‌دهد می‌توانی از بزرگ‌ترهایت سوال کنی که در جام تخت جمشید قضاوت کرده‌ام. در ضمن شما همان فردی نبودی که آمدی پیش من و حسین عسگرى گریه کردی تا یک داوری بگیری! آقای قهرمانی شما همان فردی نبودی که جان دخترت را قسم خوردی و گفتی آقای... گفته که بازی را در بیاورم اگر نه چنین و چنان می‌شود؟! شما نگفتی که شاهدم هم آقای... است. اجازه بده من صحبت نکنم زیرا در آن صورت فوتبال منفجر می‌شود و دیگر سستگ روی سستگ بند نمی‌شود. شما همانی نیستی که نزد دکتر دادگان هم حرف‌های دیگری زدی؟ غیائی تصریح کرد: من مثل دوستانت نبودم که بخواهم بروم و علیه تو شهادت بدهم. نباید فتاده را پای بزنی ولی شما مثل فغانی و ترکی به خاطر اشتباه فنی محروم نشده بودی، شما به‌خاطر مسائل انضباطی و پشت‌برده محروم شده بودی. آن هم به گفته خودت برای یک خاتم مستحق و فقط به‌خاطر ۲ میلیون تومان. من اگر گفتم بهتر بود به داوری بازمنی گشتی به‌خاطر این بود که آبرومندتر از داوری کنار بروی. اگر هم می‌خواستی خودحافظت کنی آیا بهتر نبود به عنوانت و اصفهانیان می‌گفتی تا برایت مراسم می‌گرفتند تا به قول دوستانت غریبانه نمی‌رفتی؟! من اگر گفتم بهتر بود بازنگردی صلاح تو را خواستم. حرف بدی نزدم.

باربد بهراد:
مجید جلالی از آن دست مربیانی است که وقتی با او پای مصاحبه می‌نشینید متوجه گذشت زمان نمی‌شوید. از معدود مربیان فوتبال ایران است که توانسته تئوری و عمل را با هم تلفیق کند. به همان اندازه که مطالعه می‌کند به روز است و همانقدر هم در مستطیل سبز موفق عمل کرده است. ۱۵ سال قبل خیلی‌ها تصور می‌کردند او تنها یک ثورسین است که در بهترین حالت به درد آنالیز بازی‌ها در تلویزیون می‌خورد اما در میدان عمل او نشان داد یک تفاوت اساسی با سایر مربیان داخلی دارد. البته در مواقعی جلالی به خاطر حمایت از برند داخلی برخلاف میل باطنی‌اش مجبور شده با مساله جذب مربیان خارجی مخالفت کند اما دلیلش را تنها حمایت از جنس ایرانی قلمداد می‌کند. جلالی در این فصل با سایپا نتایج خوبی گرفته است و خودش می‌گوید به چیزی بالاتر از کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا فکر می‌کند.

■ **اجازه دهید در آغاز با یک سوال جنجالی کار را شروع کنیم، چه شد که شما را از سایپا اخراج نکردند؟**
مگر قرار بود این اتفاق رخ دهد؟ همیشه درون هر خانواده‌ای ممکن است اختلاف نظری به وجود بیاید اما این به معنای فروپاشی خانواده نیست. در اواسط نیم‌فصل نخست هم در باشگاه سایپا اتفاقاتی رخ داد که برخلاف آنچه در رسانه‌ها عنوان شد چندان حاد نبود. به عنوان مثال تشخیص دادم میباودی در اختیار باشگاه باشد اما بعد از چند هفته او به واسطه درخواست مدیران تیم، به ترکیب ما بازگشت و از قضا عملکرد قابل قبولی داشت. شاید مشکل من نداشتن روابط عمومی چندان خوب با خارج از زمین باشد.

■ **در این‌باره بیشتر توضیح دهید.**

نگاه کنید من سابقه کار در تیم‌هایی را دارم که در هفته‌هایی با آن تیم‌ها در صدر جدول بودم یا دست‌کم با چند امتیاز ناچیز در رده‌های دوم و سوم بودیم اما ناگهان از سوی سکوها شاهد شعرهایی بودم که برای خودم هم جای تعجب داشت. به شخصه به این نتیجه رسیدم که در فوتبال ایران باید دیپلماسی خارج از زمین را داشت که من اعتراف می‌کنم متاسفانه یا خوشبختانه آن را ندارم. ترجیح می‌دهم روی داشته‌های خودم سرمایه‌گذاری کنم و بر این باورمقیبت به دنبال چیزهای دیگر نباشم.

■ **خیلی‌ها می‌گویند سایپا در این فصل می‌تواند همانند پاس تهران قهرمان شود.**
صحبت درباره قهرمانی خیلی زود است اما من به آن فکر می‌کنم. ولی شرایط پاس که در آن سال با من قهرمان لیگ برتر شد بسیار متفاوت بود. بازیکنان بسیار خوبی را در اختیار داشتیم. مجموعه‌ای که هم در آن جوان آینده‌دار دیده می‌شد مثل برهانی و نکونام و هم با تجربه‌هایی که در سخت‌ترین روزهای لیگ به کمک ما آمدند. سردار اوجرلو هم به خوبی همه مسائل خارج زمین را مدیریت می‌کرد. با این وجود امیدوارم بتوانیم با حفظ این روند با سایپا مجدداً آن عنوان را تکرار کنیم. تیم فعلی ما پتانسیل بسیار خوبی دارد.

■ **این روزها دستیاران کی‌روش به تمرینات تیم‌های لیگ برتری سر می‌زنند به نظر شما این حضور تاثیر مستقیمی در تیم ملی و باشگاهی خواهد داشت؟**

قطعا. من دوست داشتم خود کی‌روش هم در



ایران بود و به همراه دستیارانش به تمرینات سر می‌زد. قطعاً حضور فیزیکی مربیان تیم ملی در تمرینات باشگاهی، اطلاعاتی را به آنها می‌دهد که شاید در میدان مسابقه و دیدن فیلم بازی آنها را پیدا نکنند. در زمین تمرین، بازیکن بدون استرس از نتیجه می‌تواند نتایج‌هایش را به نمایش بگذارد و شاید در دل همین تمرینات باشد که یک بازیکن خودش را به مربیان نشان دهد.

■ **راستی در این فصل کمتر شاهد اعتراضات شما به داوری بودیم. آیا این سکوت دلیلی دارد؟**

قبلاً هم اینگونه بودم. اما بعضی اوقات هر چه ساکت بودم می‌دیدم اشتباهات ادامه دارد. یک جاهایی دیگر کنترل سخت می‌شود. مثل آنکه سرت را ببرند و بگویند پرپر زن! با این وجود همانطور که گفتم به‌شخصه علاقه‌ای به شلوغ کاری در کنار زمین ندارم. بعضی اوقات برای بازی‌های ما داوران جوانی را می‌گذارند که می‌دانم باید تاوان بی‌تجربه بودن آنها را ما بدهیم. حالا با اشتیها به نفع ما در یک صحنه سوت می‌زنند یا به نفع رقیب. در لیگ امسال کم از این اشتباهات رخ نداده است.

■ **چه نظری درباره حضور نکونام در کادر فنی تیم ملی دارید؟**

جواد قابلیت خوبی برای تبدیل شدن به یک مربی بزرگ را دارد. اینکه بخواد در پایان همین فصل کفش‌هایش را آویزان کند و سراغ مربیگری برود یک تصمیم کاملاً شخصی است که هیچکس بهتر از خود بازیکن نمی‌تواند درباره زامنش تصمیم‌گیری کند. او فعلاً از آمادگی بدنی خوبی برخوردار است و واقعا نمی‌دانم تصمیم جدی برای خداحافظی از دنیای بازی را دارد یا نه. اما او در طول این سال‌ها با مربیان مختلف و بزرگی کار کرده که همین موضوع می‌تواند باعث تسریع در پیشرفتش شود. فوتبال ما باید به مربیان جوان بها بدهد، چرا که آنها آینده‌سازان این فوتبال هستند.

■ **شاید همین نگاه شما باعث شده خیلی‌ها تصور کنند ضد مربی خارجی هستند.**

نه اینگونه نیست، وقتی شما یک مربی خوب

جلالی از دلایل سقوط تماشاگران می‌گوید

سياهنمایی در فوتبال



خارجی می‌آورید کسی روی خوب بودنش بحثی ندارد اما ما می‌توانیم با برنامه‌ریزی همان مقدر پولی را که برای مربیان گرانقیمت صرف کردیم به پروسه تعلیم مربیان جوان اختصاص بدهیم. همواره در کانون مربیان ایران که حالا ۱۰ سال از عمر تاسیسش می‌گذرد روی این مسائل بحث کردیم. البته همیشه منلک‌هایی را هم شنیدیم؛ مثلاً می‌گفتند مربیان بیکار ایرانی دور هم جمع می‌شوند و به دنبال تیم برای خودشان هستند. ولی دستور کار کانون هرگز این نبوده است. همانطور که باید فضا برای رشد و شکوفایی بازیکن جوان در همه جای ایران مهیا باشد درباره مربیگری هم باید چنین نگاهی داشته باشیم.

■ **دلایل ریزش فاحش تعداد تماشاگران در فوتبال ایران را چه می‌دانید؟ آیا در کانون در این‌باره بحثی شده؟**

به عقیده من فرار تماشاگران از فوتبال دلایل مختلفی دارد که یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین آنها فضای سیاهی است که درباره فوتبال ترسیم شده است. وقتی مرتب علیه فوتبال مطلب گفته و نوشته می‌شود و کلا حواشی بر متن تقدم دارد آن وقت چگونه انتظار دارید مردم دلسرد نشوند؟ این سیاهنمایی حتی اگر در کشتی و بسکتبال و والیبال هم شیوع پیدا کند، تردید نکنید آنها هم به درد فوتبال دچار خواهند شد. این سیاهنمایی بعضاً به قدری وسیع و بزرگ است که ناگهان خودمان که درون فوتبال هستیم به خودمان شک می‌کنیم. اما، متاسفانه همه واقعیت این نیست.

■ **برسیم به اظهار نظر شما پیرامون بازیکنان سرباز. به عنوان کسی که با پاس و بازیکنان سرباز خودتان به افتخار‌های رسیدید چگونه حالا می‌گویید نباید بازیکنان سرباز به تیم‌های نظامی بروند؟**

اتفاقا سوال خوبی را مطرح کردید. مگر جلالی قانون جذب سرباز در پاس و صبا را نوشته بود؟ حرف من این است که باید سازمان لیگ با همکاری حوزه نظام وظیفه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فوتبال ایران را حل کند. الان چند باشگاه

داریم که به صورت جدی به دنبال بازیکن‌سازی هستند؟ به عنوان مثال مسوولان باشگاه فولاد طی یک برنامه بلندمدت شروع به جذب بازیکن نونهال کردند و وقتی این بازیکنان به سن سربازی رسیدند ناگهان فولاد مجبور شد حجم وسیعی از آنها را از دست بدهد. در چنین وضعیتی اگر فوتبال خصوصی شود کدام آدم عاقلی حاضر است روی جوانی سرمایه‌گذاری کند که در ۲۰ سالگی باید به مدت ۲ سال از تیمش بیرون؟ قطعاً مکانیزم کار ایراد دارد از این رو چندی‌پیش در کانون مربیان ایران نامه‌ای را در این‌باره به مهدی تاج دادیم تا به فکر چاره باشد.

■ **چاره‌اش چیست؟**

این را باید سازمان لیگ و حوزه نظام وظیفه حل کند. اما می‌شود طوری برنامه‌ریزی کرد وقتی یک بازیکن به سن سربازی می‌رسد بدون آنکه بخواد با ترقد به دنبال معافی باشد که حاصل آن همین موج اخیرى بود که پانددش افشا شد. یک راهکار بگذارد کند و بعد از آن با لحاظ کردن شرایطی بتواند در همان باشگاه به فوتبالش بپردازد. اصلاً چه ایرادی دارد بازیکن در طول هفته در روزهای مشخصی به پادگان برود؟ در این‌باره می‌شود راهکارهای مناسب را پیدا کرد و جایگزین شرایط کنونی کرد. باشگاه سایپا که از باشگاه‌های سازنده است باید امثال محمدرضا اخباری را کشف کند و رشد دهد اما در بهترین دوره که باید از وجود این بازیکن استفاده کند او به تیم نظامی می‌رود. البته بازیکن‌ها از این وضعیت بدشان نمی‌آید چون اولاً به پادگان نمی‌روند و ثانیاً پول خوبی را هم از تیم‌های نظامی می‌گیرند. در این بین تنها کلاه به سر باشگاه سازنده می‌رود. امیدوارم مسوولان نسبت به این موضوع مهم حساس و به فکر آینده فوتبال ایران باشند. اگر روزی همه تیم‌های ما خصوصی شود قطعاً هیچ مالکی علاقه ندارد با پول خودش به سراغ بازیکن جوان برود و سپس به بهانه سربازی آن مهره را از دست بدهد. اگر این قانون پیش از این تغییر کرد بود هرگز موج کارت‌های معافی جعلی به پا نمی‌شد.

رمزگشایی از اخراج آقای خاص

مورینیو و آغاز سقوط

در پایان فصل قبیل رقابت‌های لیگ برتر انگلستان ژوزه مورینیو در اوج قدرت بود. او برای سومین بار باشگاه چلسی را به قهرمانی این جام هدایت کرده بود و قرار دادش با باشگاه را ۴ سال دیگر تمدید کرد. به گزارش شفقنا ورزشی، باشگاه چلسی به عنوان نامزد قهرمانی فصل جاری قلمداد می‌شد و آقای مورینیو از ساختن تیمی صحبت می‌کرد که خواهد توانست ۱۰ سال سلطان بلامنازع لیگ برتر انگلستان باقی بماند. اما در نیمه راه فصل جاری و در پی شکست‌های پیاپی چلسی و حتی خطر سقوط از لیگ برتر، رومن آبراموویچ مالک باشگاه چلسی ژوزه مورینیو را اخراج کرد. چه عواملی سرنوشت ژوزه مورینیو را ظرف چند ماه تغییر داد؟

■ **خودبزرگ‌بینی**

چلسی فصل گذشته ۳ مسابقه مانده به پایان رقابت‌ها، قهرمان لیگ برتر انگلستان شد. ایسن تیم از آغاز تا پایان فصل گذشته برتری خود بر سایر تیم‌ها را نشان داد. آیا چلسی نیز دچار عارضه خودستایی شد؟ همان حالتی که در سال ۲۰۱۲ برای باشگاه منچستر سیتی یا منچستر یونایتد پیش آمد؟ در حالی که رقبای چلسی مثل منچستر سیتی و منچستر یونایتد در پایان فصل گذشته با هزینه فراوان بازیکنان خوبی را به تیم خود افزودند می‌توان گفت که در پایان تمام خرید و فروش‌ها و تغییرات تابستان، ترکیب تیم چلسی به نسبت فصل قبل ضعیف‌تر شد. اکثر بازیکنانی که به تیم اضافه شدند در عمل نشان دادند در سطح رقابت‌هایی مثل لیگ برتر انگلستان نیستند. شاید ژوزه مورینیو تنها مسوول این وضعیت نباشد و مالک و مدیران ارشد چلسی نیز در نحوه هزینه کردن پول برای خرید و قرض گرفتن بازیکنان مسوول باشند. اشتباه دیگر مورینیو نحوه بازسازی تیمی بود که به درست یا غلط در پایان فصل قبل از نظر او «خسته» بود. مورینیو همیشه به خاطر شروع خوب تیمش در آغاز فصل به خود افتخار کرده ولی امسال تیم نوسازی شده او بدترین شروع را داشت. دوره آمادگی تیم قبل از شروع رقابت‌ها کوتاه بود و در مسابقه‌ای که هر سال بین برنده لیگ قهرمان جام حذفی انگلستان برگزار می‌شود، چلسی در آن به آرسنال باخت؛ چلسی فقط ۳ بازی تدارکاتی انجام داد. این رنگ خطر بزرگی برای شروع رقابت‌های فصل ۱۵ ۲۰ بود.

■ **نفرین اوا کارنیرو**

امید ژوزه مورینیو برای دفاع از عنوان قهرمانی لیگ از همان مسابقه اول بر باد رفت. چلسی در زمین خودش به سوازنی باخت. درباره رفتن لالای سر یکی از بازیکنان مصدوم چلسی بین ژوزه مورینیو و اوا کارنیرو پزشک تیم اختلاف به وجود آمد و سرمربی چلسی دکتر و کادر پزشکی تیم را به «ساده‌لوحی و رفتار غیرحرفه‌ای» منهم کرد. این ماجرا به یک جنجال بزرگ بدل شد. فدراسیون فوتبال و انجمن پزشکان فدراسیون رفتار مربی چلسی را محکوم کردند. خانم کارنیرو ابراج شد ولی هم از باشگاه چلسی و هم از شخص ژوزه مورینیو شکایت کرد. این ماجرا برای بسیاری از طرفداران چلسی و فوتبالیدوستان به نقطه آغاز افول چلسی بدل شده و به همین دلیل به آن «نفرین اوا کارنیرو» لقب داده‌اند. این تنها مورد از برخورد‌های تنسد مورینیو در فضای فوتبال نبود. او به خاطر رفتار نادرستش با داوران از حضور در یک مسابقه محروم و در نیمه یک مسابقه دیگر از کنار زمین اخراج شد. این حوادث در افول او بی‌تاثیر نبوده‌اند. با وجودی که او در ۲ دوره مربیگری خود در چلسی به این باشگاه و لیگ برتر انگلستان تحرک ویژه‌ای بخشیده ولی رفتار او در این فصل نه شایسته چلسی و نه شایسته خود او بود.

■ **حق مورینیو بود اخراج شود؟**

شاید حتی صحبت کردن درباره اخراج یکی از بهترین مربی‌های فوتبال جهان آن هم فقط چند ماه پس از قهرمانی مسخره به نظر بیاید ولی برکناری ژوزه مورینیو نماد خوبی از دنیای امروزی و بی‌رحم فوتبال و در عین حال ابعاد سقوط سریع باشگاه چلسی است. به نظر می‌رسد رومن آبراموویچ صاحب باشگاه چلسی با وجودی که به اخراج سریع مربیان شهرت دارد، این بار درباره مورینیو حوصله نشان داد و به او وقت داد تا از گودالی که برای خود کنده بود، خارج شود. مناسبات او با تعدادی از بازیکنان بشدت تیره شد و برخلاف دوره‌های گذشته هیچ نشانی از مدیریت درست این اوضاع به چشم نمی‌خورد و حتی ادامه حضور چلسی در لیگ برتر به خطر افتاد. مورینیو یک بار گفته بود شاید مهارت اوست که بازیکنان تیمش را به سطحی بالاتر از قابلیت‌های طبیعی آنها ارتقا می‌دهد. این سطح عالی از فوتبال باشگاهی امسال بشدت سقوط کرد بنابراین جای تعجب ندارد که «آقای خاص» مجبور شد هزینه آن را بپردازد.